



IRISEKAI



T.me/IriSekai



Instagram.com/IrisSekai

ASHLEY مترجم:

YUAN HUA كاتبة:

MORENA تايپيست:

반드시 해피엔딩

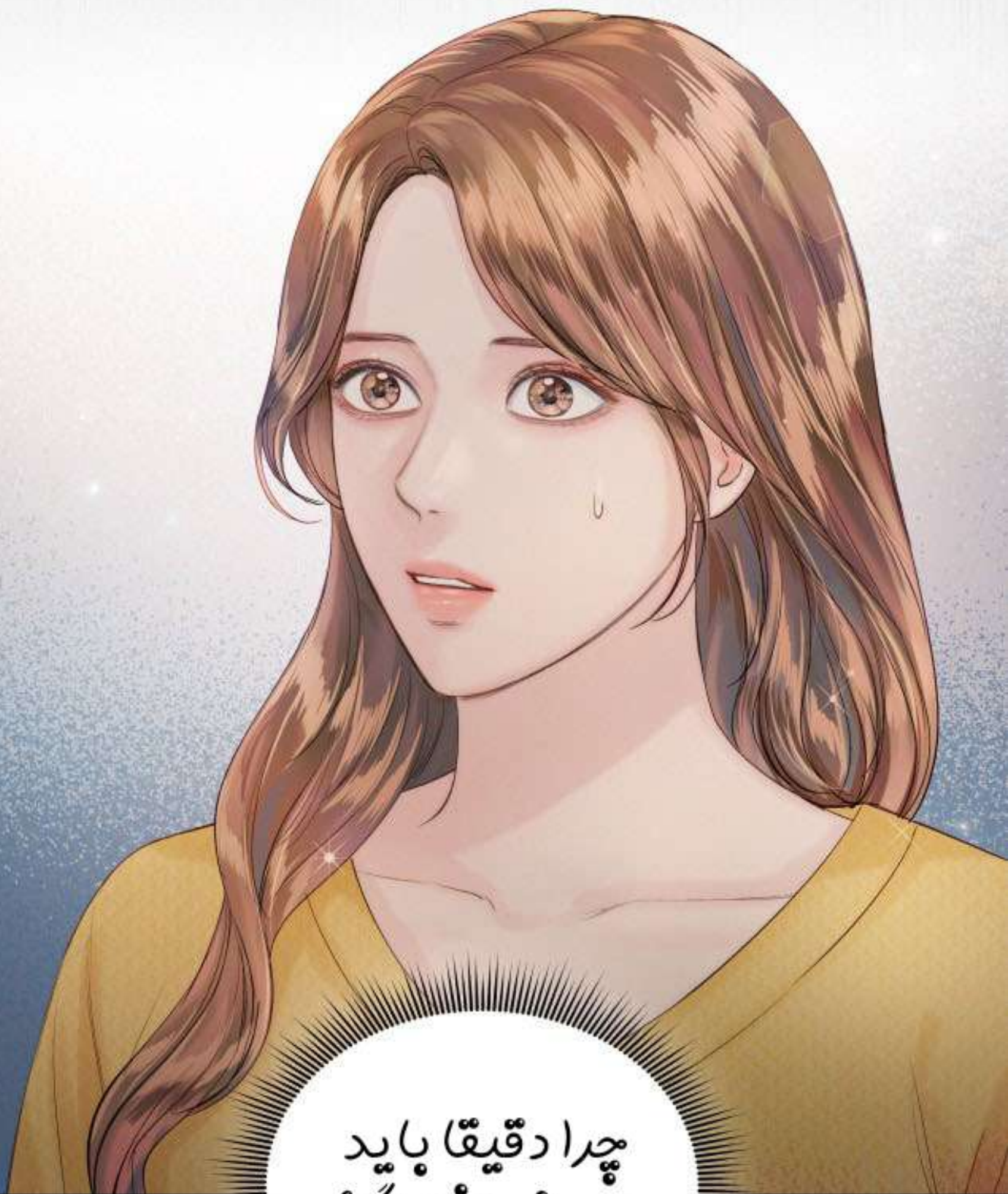
각색 불사 그림 재림
원작 플아다



٢٥ نوامبر.



همون روزيه كه
برگشتم به گذشته.



چرا دقيقا بايد
همون روزو بگه؟

نکنه یه چیزایی
درباره ی رازم
فهمیده؟

چرا... اون روز؟

iris
Sekai
T.me/
irisSekai



اون روزيه كه...



گفتی "چون بوسیدنتو
دوست دارم" و ازم
خواستی ببوسمت.

چرا از فرصت
استفاده نکردم؟



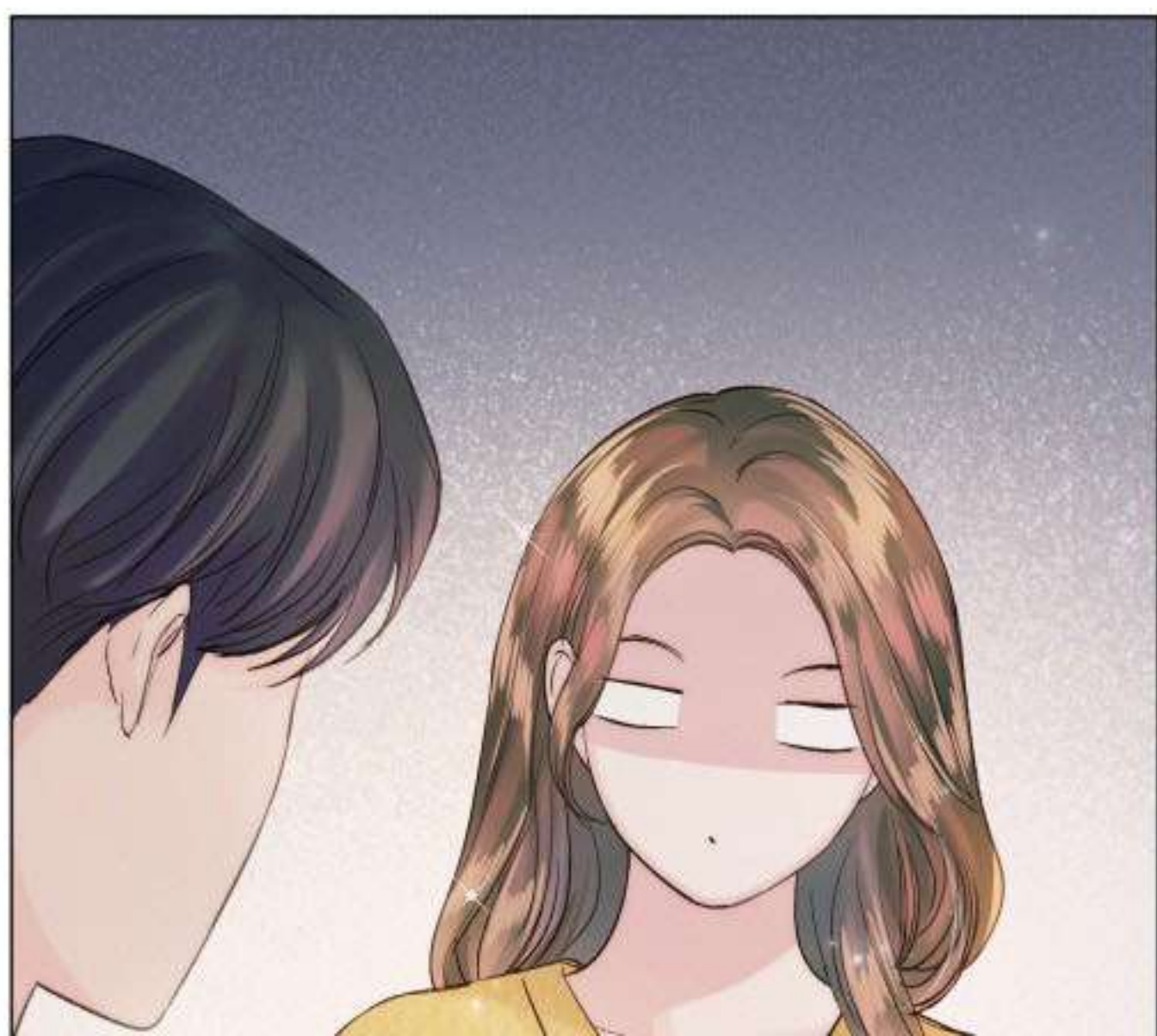
این بزرگترین
حسرتمه.

این اسکل چی
داره میگه؟



نباید اونقدر جنتلمن
بازی درمیاوردم و ازت
میخواستم منظور تو
درست برسونی.

به جاش، باید
همونجا و همون لحظه
میوسیدمت.



باید
میدونستم.



اما به
راهی هست.

هنوزم میتونیم
برگردیم به اون
زمان...





گفتی بزرگترین
حسرتته.





یا علی!

پ.ن: بالا خره :.)

ناموسا بیا این
دفعه دیگه تا
تهش بریم.

하하



منو کجا میبری؟!

اتاقم.





...نگفتم قبول
میکنم که!!

و-وایسا میخوانم
یه چیزی بگم!



بعدا حرف
میزنیم.







(انگشت)
چو

یو سارا...





...یه بار بعد این که
پسورد رو زد
وارد خونه شد.





بين خودمون
حالش کردیم.

دفعه ی بعد، وقتی
همچین چیزایی پیش
اومد مستقیم بیا به
خودم بگو.



فکر کردم تو بهش
پسورد خونه رو گفتی،
پس یه سوء تفاهمی
پیش اومده بود.

Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai



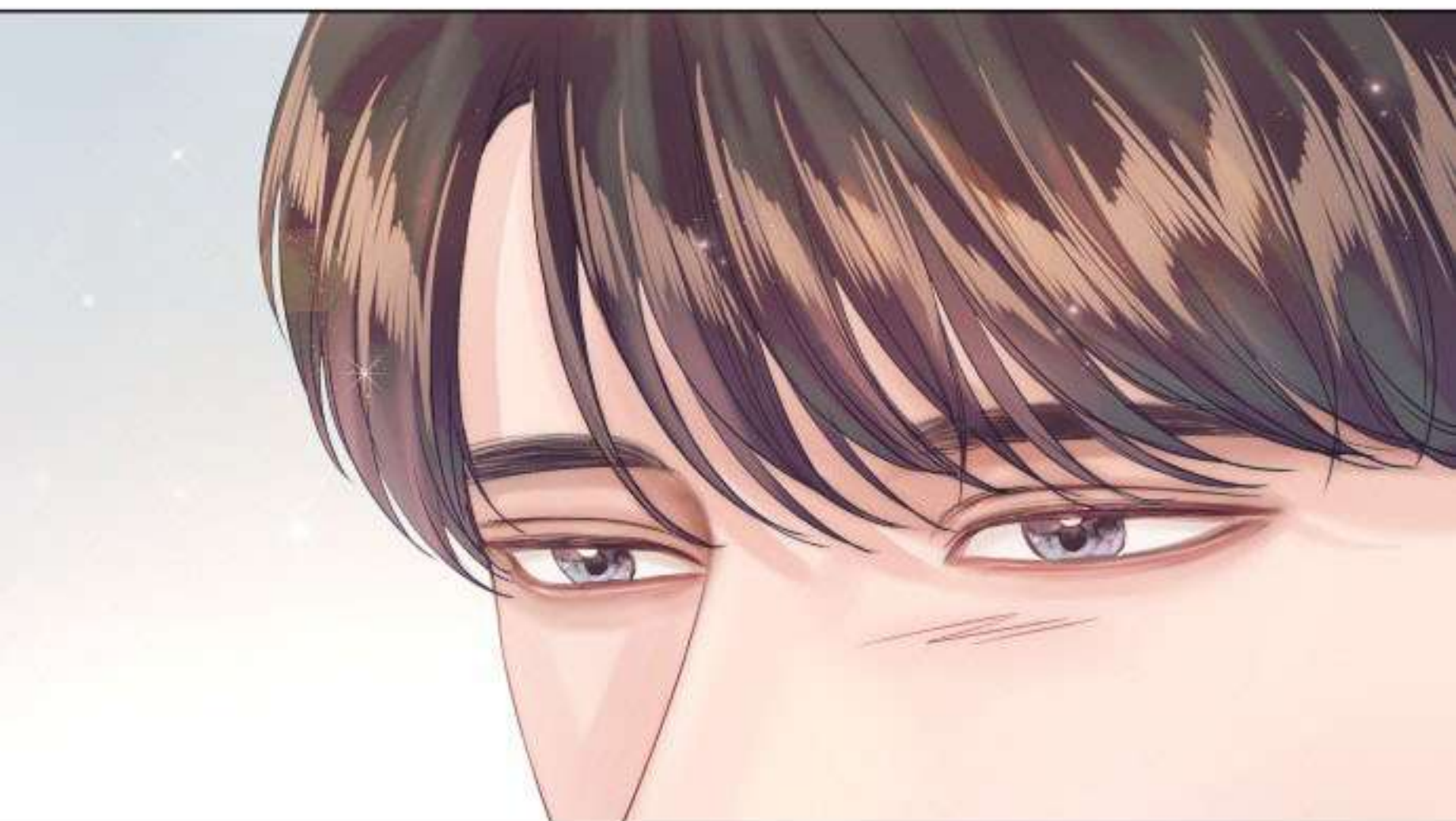


بخشید...



... که ازت
دربارش
نپرسیدم.





고요 (그녀의)



دفعه های بعد،
وقتی همچین چیزایی
پیش اومد حتما
بهم بگو.





(سرنگون دادن)
ٲٲٲٲ

به هر حال،
اونطور که
سارا میگه،

خانم اوک سونگ
هی بهش پسورد
رو داده.





اوک سونگ
هی داده؟

اینطور که معلومه،
با نیت قبلی به سارا
نزدیک شده و
باهاش حرف زده.



خانم اوک حتی
میدونست که ما
ازدواجمون صوریه...

پس یه جورایی
منطقیه که پسورد
رو میدونست،

چون پسورد، چند
تا عدد آخر شماره
تلفن خونه قبلیم بود.



در هر صورت...

از کجا میدونست
که ازدواجمون
صوریه؟



الان ديگه...
الکي نيست.





آره،
راست میگیا.

ممکنه تعقیبمون
کرده باشه؟



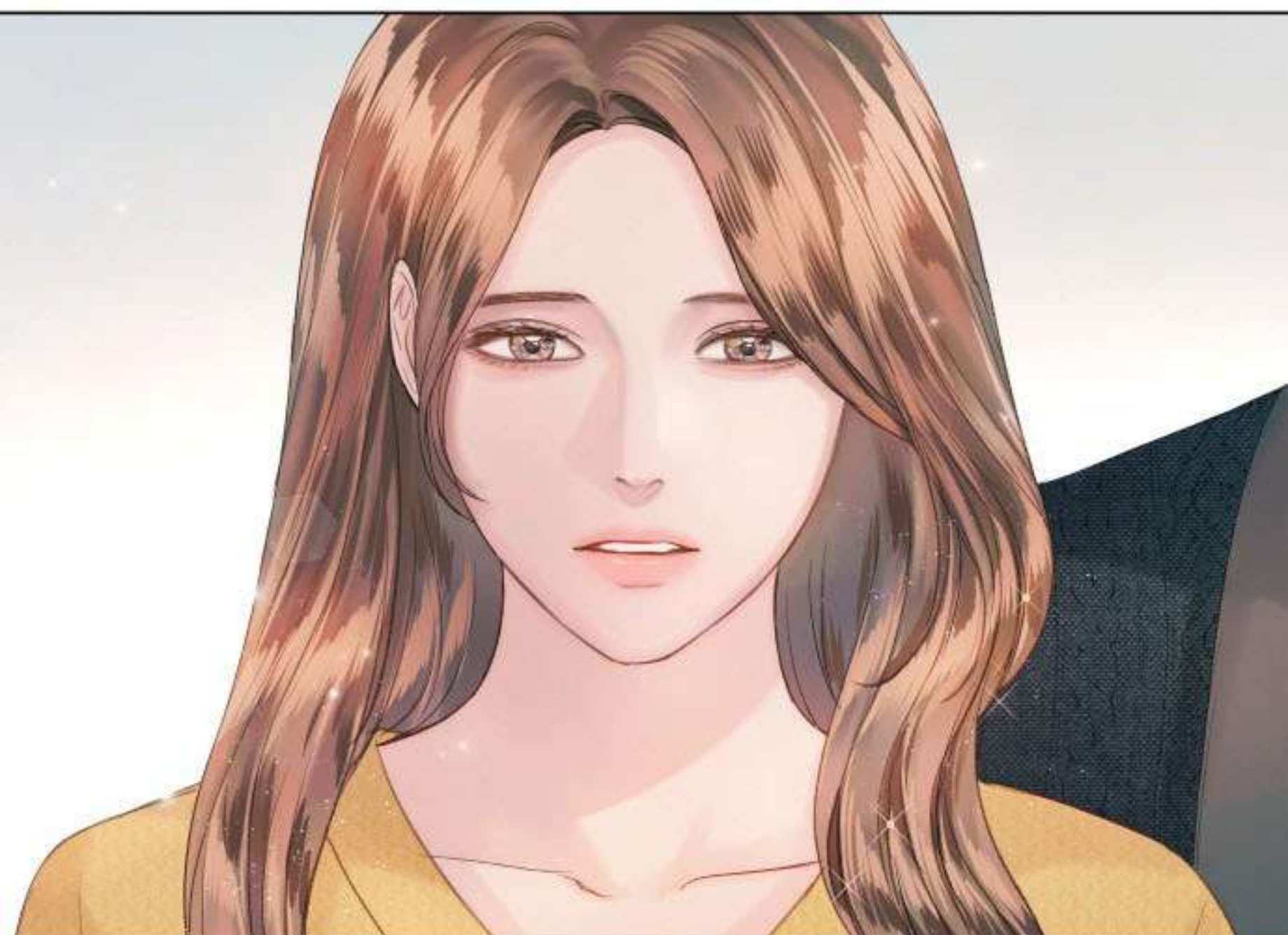
ممکنه.





یه حسی بهم می‌گه
که سارا بدجور گول
حرفاشو خورده.

اینجور که من برداشت
کردم، خانم اوک
میخواسته شکش درباره
ی ازدواجمون به یقین
تبدیل شه...



به خاطر همین از سارا استفاده
کرد و پسورد رو بهش گفت.

اینطوری میتونست شکشو
برطرف کنه.

چرا تو هم راجع به
این قضیه با سارا
حرف نمیزنی؟

شما دو تا باید
آشتی کنید.





منظورت چیه،
آشتی کنیم؟
دعوا نکرده
بودیم که.



...باشه،
قبول.

به هر حال، میخوام
برم پی این قضیه رو
بگیرم، تو هم مراقب
باش.



هر کی رو که دیدی
مشکوک میزد، در
جا به خودم بگو.

باشه.



باید دوربینای امنیتی
آپارتمانم چک کنم،
که بینم کسی وارد
شده یا نه.



فکر
خوبیه.

آه، کل وقتمون با
حرف زدن راجع به
این مسائل رفت.



دیگه بخوابیم.



کجا بخوابیم؟

این اتاق یا
اون اتاق؟



چرا یهو ناخافل
میپری وسط
بلیت؟

پدر و مادرت
ناراحت میشن اگه

تو اتاقای جدا
بخواییم.

꿈

کمترین کاری که
میتونیم بکنیم اینه
که حداقل دختر و
پسر بدی براشون
نباشیم.





خب، مامان و بابا که
دائم نگامون نمیکنن.



نه، من به مامانت قول
دادم، قراره از این به
بعد باهاشون رو راست
باشم.



نمیتونم بهشون بگم
ما تو اتاقای جدا

میخواهیم که.



میتونی اصلا
بحثشو پیش
نکشی.

아니



!اوہ

کچھ





یه زوجی که ازدواج
کردن باید با هم
بخوابن.

...پس این
قولو بهم بده.





...چه قولی؟



مثل دفعه ی آخر،
وقتی بیدار میشی
یهو بهم حمله نکنی.



اون موقع اصلا
به هوش نبودم.



Tris
Sekai
T.me/
TrisSekai

خب پس، جوابم
نه عه. من باید مراقب
خودم باشم.





واقعاً این همه
سختگیری لازمه وقتی
ازدواجم کردیم؟



محب، اعتراف میکنم
که عادت خوبی نیست،
باید اصلاحش کنم.





خوب، باشه.
این کارو نمیکنم.



راستی...



چرا سارا رو به اسم
صدا و میکنی و به
من میگي "سونبه"؟



!!

(عذاب وجدان)

حتي اوپا هم
نه، "سونبه"؟





آآه، خسته ام...
شب بخیر.





چی...؟
جدي داري
ميخوايي؟



جواب منو نمیدی
و همینجوری
میگیری میخوابی؟

نامووسا؟
هميندجوري؟!

پ.ن.ج: هفت رفايئنگ لايف x_x

777 (جیت جیت)
777





더듬

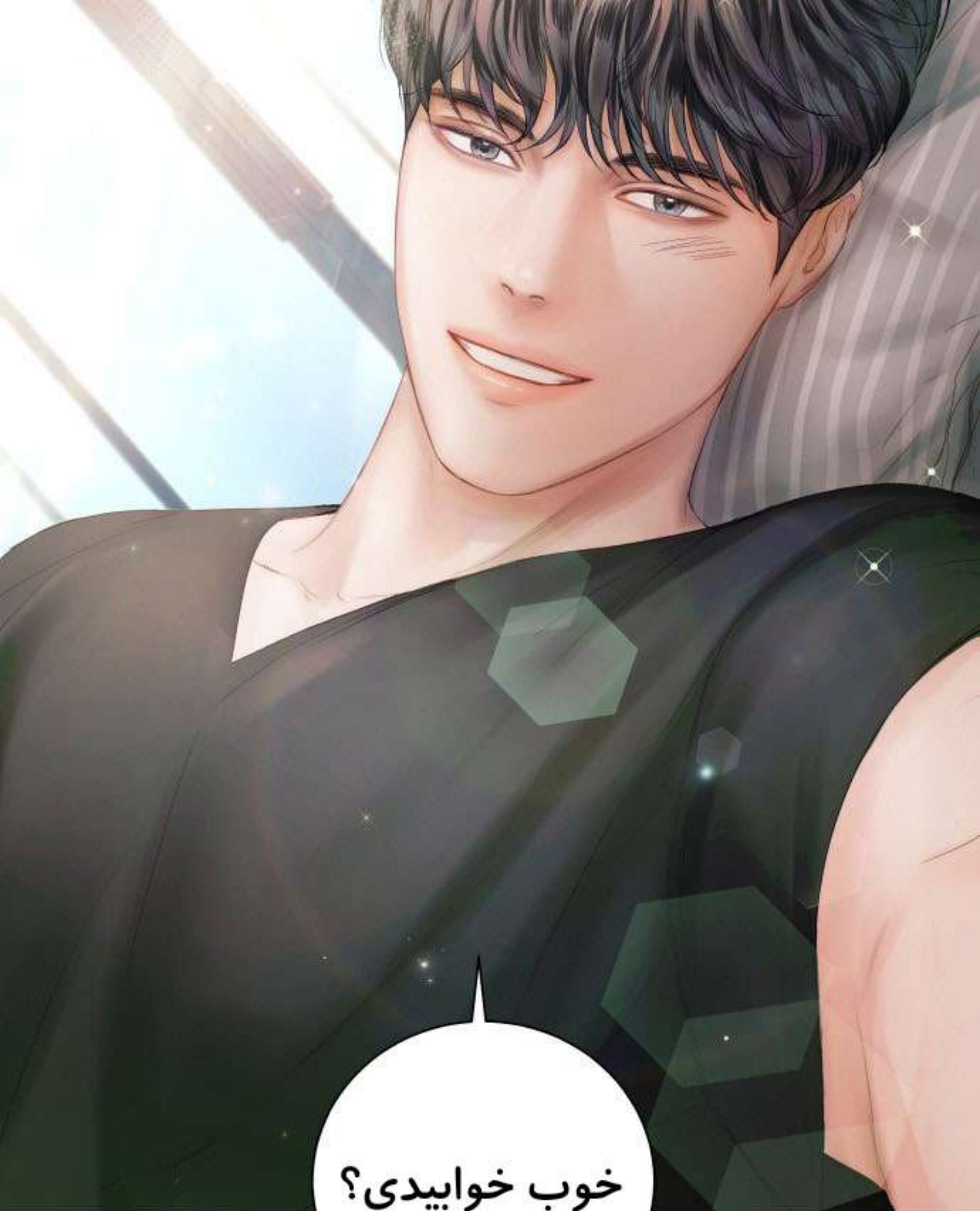
گوشییم...
گوشییم کو؟

망강

هاه؟ این چیه
اینقد نرمه...؟







خوب خوابیدی؟

원고 도움 수리 또바기

승연 아노마

제작 **COPIN**



جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره